

دست‌نویس‌های هفتاد

مکتب‌شناسی شهر پیش‌رو

پژوهش و گردآوری:

ابوالفضل پاشا و آفاق شوهانری

نشر هشت



سرشناسه: پاشا، ابوالفضل، ۱۳۴۵

شناسه افزوده: شوهانی، آفاق، ۱۳۴۶

عنوان و نام پدید آور: درگستره‌ی هفتاد (هستی‌شناسی شعر پیش‌رو)،

ابوالفضل پاشا، آفاق شوهانی

مشخصات نشر: اهواز، هشت، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۸۵۲ ص

شابک: ۴-۶۱-۸۷۴۶-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر معاصر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ د ۲۴ پ / PIR ۴۱۹۰

رده‌بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲

شمار کتابخانه‌ی ملی: ۵۰۳۲۰۸۷



مدیر امور هنری: شجاع گل ملایری

مدیر اجرا: زینب بهبازی

ناشر: هشت نویت چاپ: اول ۱۳۹۸ شمارگان: ۵۰۰ نسخه پ: ترج

خوزستان، اهواز، بلوار آیت ... بهبهانی خ قشقای بی گندمی و

نیش کوچه الهی پلاک ۵۷ - همراه: ۰۹۱۶۲۱۱۴۲۲۸ / ۰۹۱۶۹۰۳۱۹۴۳

ایمیل: shojagolmalayeri۱۹۴۳@gmail.com

وب سایت: www.۸pub.ir تلگرام: @pub_۸ اینستاگرام: @pub_۸

فهرست

۱۱ پیش گفتار

گروه نخست:

۵۲ نازنین نظام هیدی

۶۴ حافظ موسوی

۷۶ مهرداد فلاح

۸۶ کوروش همه‌خانی

۹۶ شیوا ارسطویی

۱۰۸ آریتا قهرمان

۱۲۰ رضا چایچی

۱۳۱ ابوالفضل پاشا

۱۴۳ بهزاد خواجات

۱۵۵ مهرنوش قربانعلی

۱۶۵ علی عبدالرضایی

گروه دوم:

۱۷۴ افسانه‌ی نجومی

۱۸۶ شایان حامدی

۱۹۵	آفاق شوهانی
۲۰۶	محمد حسین عابدی
۲۱۸	یزدان سلحشور
۲۲۸	صمد تیمورلو
۲۳۸	محمد آزر م
۲۴۸	ناصر پیرزاد
۲۵۹	فریاد شیر ی
۲۷۱	ثریا ریزی
۲۸۳	حمد شور
۲۹۳	علی رضا بهنام
۳۰۷	گراناز موسی
۳۱۷	پگاه احمدی
۳۲۸	سریا داوودی حموله
۳۳۶	کوروش کرم پور
۳۴۷	رزا جمالی
۳۵۸	مهدی مرادی
۳۶۹	محمد حسن نجفی
۳۷۹	فراز بهزادی
۳۸۹	مازیار نیستانی
۴۰۰	آتفه ی چهار محالیان

گروه سوم:

۴۱۴	نادر چگینی
۴۲۱	اسماعیل علی پور
۴۳۱	فلورا تاجیکی

۴۴۰	مصطفیٰ فخرایی
۴۵۰	علی نقویان
۴۶۲	رضا کردبچه
۴۷۲	فرزین پارسی کیا
۴۸۳	سعید نصاریوسفی
۴۹۱	سید گل بیانی
۵۰۰	حما جانبازان
۵۰۷	مسعود ضرغامیان
۵۲۰	فرهاد کریمی
۵۳۱	علی فتحی مقدم
۵۴۳	سامان اصفهانی
۵۵۴	مریم فتحی
۵۶۵	پژمان قانون
۵۷۵	شجاع گل ملایری
۵۸۷	لادن جمالی
۵۹۵	نعمت مرادی
۶۰۶	علی اصغر عالی زاده
۶۱۵	ایمان مؤمنی
۶۲۶	سردار شمس آوری
۶۳۶	زبیده حسینی
۶۴۵	امین احراری
۶۵۵	ابوالفضل نظری
۶۶۸	میثم ریاحی
۶۷۷	پویا عزیزی

۶۸۵	 محمد علی نوری
۶۹۵	 محمد عسکری ساج
۷۰۴	 هادی ترابی
۷۱۵	 حافظ عظیمی
۷۲۷	 روزبه سوهانی
۷۳۷	 ساجد فضل زاده
۷۴۹	 داوود مالکی
۷۶۱	 محمد علی سنلو
۷۷۲	 حمید پیراغ پور
۷۸۳	 فریبا الموردي
۷۹۴	 حسین علی زاده
۸۰۳	 نوید کاوری زاده
۸۱۴	 فهرست الفبایی نامِ شاعران
۸۱۸	 فهرست تفصیلی
۸۴۱	 منابع

پیش گفتار

یک

انسان روی کنش‌ها و رفت‌ها و پدیده‌ها نام می‌گذارد تا بتواند به هنگام بازشناخت‌شان به آن‌ها ارجاع کند. به عبارت دیگر نام‌گذاری در حوزه‌های طبیعی، اجتماعی و فرهنگی یکی از رویکردهای همیشگی انسان - به مثابه انسان امروز - است. شما برای آن‌که کسی را به خانه‌ی خود دعوت کنید ابتدا باید نشان‌تان را - او بگوید و نخستین ارجاع در نشانی نام خیابان‌ها و کوچه‌هاست؛ یا آن‌که برای صدا کردن کسی در خانه یا محل کار، نام او را بر زبان می‌آورید که به طور هم‌زمان به او نیز ارجاع کرده باشید. هر حال انسان به ویژه در موقعیت اکنون و در جهان امروز، ناگزیر از نام‌گذاری است. اما نام بر چه اساسی انتخاب می‌شود و مهم‌تر این‌که نام پدیده‌ی خاصی را چه کسی انتخاب می‌کند؟ مثلاً زندگی را در نظر می‌گیریم که تازه به دنیا آمده است. نام او را معمولن پدر و مادرش انتخاب می‌کنند و البته گاهی سایر بستگان هم نظر می‌دهند و رسم بر این است که غیر از این افراد شخص دیگری در انتخاب نام نوزاد دخالت نمی‌کند. اساس انتخاب نام فرزند نیز معمولن بر حسب سلیقه‌ها و اعتقادات یا باورداشت‌هاست. تا این‌جا نکته‌ی مبهمی وجود ندارد. اما به گستره‌ی وسیع‌تری نگاه کنیم: نام اشیا بر چه اساسی انتخاب شده، اصلن چه کسی حق انتخاب داشته است؟ مثلاً چه کسی نخستین بار به «سنگ» چنین نامی داده است و دیگران به چه دلیلی این رویکرد را پسندیده و پذیرفته‌اند؟ قدر مسلم بسیاری از نام‌گذاری‌ها به عنصر مهمی مثل زمان وابسته

است. چه بسا نام‌های گوناگونی از قدیم روی پدیده‌های مختلف مثل همان سنگ گذاشته‌اند اما مقبولِ طبعِ کاربران نبوده، تا آن‌که همان نام سنگ فراگیر شده است. شاید هم از همان ابتدا همین نام را روی همین پدیده گذاشته‌اند و مقبولِ طبعِ کاربران قرار گرفته است. همه‌ی این‌ها به پژوهش‌های گسترده‌ی نیازمند است که موضوعِ اصلیِ این پیش‌گفتار نیست بل که قصد ما فقط اشاره‌ی به شیوه‌ی نام‌گذاری و تداوم آن در جامعه است.

همان‌طور که گفتیم بعضی از نام‌ها در طولِ زمان شکل می‌گیرند و پذیرشِ همه‌گانی موجب تقریبِ ماندگاریِ آن‌ها می‌شود. اما در خصوصِ پدیده‌های نوظهور چه باید بگوئیم؟ مثلاً وقتی شیء جدیدی مثل رچرخه اختراع شد چه کسی نامِ رچرخه را برای آن انتخاب کرد؟ همه‌ی این موارد کسی را موردِ تحقیق هستند که البته باز هم موضوعِ اصلیِ این پیش‌گفتار به حساب نمی‌آیند و ما به اجمال از آن‌ها می‌گذریم اما باید اشاره کنیم که یک نکته‌ی مشترک در تمامی‌شان وجود دارد: این ماندگاریِ همه‌ی این نام‌ها پذیرشِ همه‌گانی است حتی اگر آن نام با کارکرد یا کاراییِ آن پدیده تناقض باشد به عبارتِ دیگر این کاربران هستند که تعیین می‌کنند نام هر پدیده‌ی تا چه حدی می‌تواند در حوزه‌ی گفتار و نوشتار تسری پیدا کند. برای همین است که گاهی پیش‌نهادهای فرهنگ‌ستان برای اشیاء جدید در حدِ یک تصویبِ صرف باقی می‌ماند و پذیرشِ همه‌گانی از قبولِ آن سر باز می‌زند. در عوض گاهی می‌بینیم که مردم با توجه به همان اصلِ پذیرشِ همه‌گانی بدونِ دخالتِ نهادِ خاصی مثل همان فرهنگ‌ستان، روی پدیده‌ها یا اشیاء گوناگون نام می‌گذارند و این نام‌ها به سببِ زیبایی و رسایی به کار گرفته می‌شود و تداوم نیز می‌یابد حتی اگر دادِ فرهنگ‌ستان هم در برابرِ که وامیست! این کلمه با ریشه‌های زبان سازگار نیست و چه و چه و چه‌ها...

مهم این نیست که نامی که روی پدیده‌ها اطلاق می‌شود تا چه حدی درست است و تا چه حدی به ریشه‌های زبانی وابسته گی دارد. نخستین و مهم‌ترین نکته پذیرشِ همه‌گانی است و گرنه باید آن گزینش از سوی آن نهاد مثل دانش‌گاه یا فرهنگ‌ستان بارها و بارها توضیح داده

شود و باز هم در حوزه‌ی بخش‌نامه‌ها باقی بماند؛ مثل پیش‌نهاد کلمه‌ی نازیبای رایانه به جای کامپیوتر! در واقع اگر پذیرش همه‌گانی حضور نامی را اعم از جدید یا قدیم تأیید نکند آن نام ملزم به تبعید به لغت‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌هاست، و اگر گاهی می‌بینیم که معنای واقعی کلمات از یاد می‌رود و معنای دیگری به آن‌ها نسبت داده می‌شود از همین روست. مثلاً مردم کلمه‌ی مزخرف را به چه معنایی به کار می‌برند؟ به معنای چیزی به درد نخور! در حالی که مزخرف نه تم معنای منفی ندارد که معنای آن مثبت است. مزخرف یعنی چیزی که آن را به آب طلا آراسته باشند از آن‌جا که در دروغ‌گویی، پدیده‌یی را با ظاهری فریبنده می‌آریند آن چیز ناراست به مرور زمان به مزخرف تعبیر شده، بعد هم این کلمه به مرور به معنای چیزی به درد نخور به کار رفته است. پس می‌بینیم که پذیرش همه‌گانی کم‌کم به سویی رفته که معنای کلمه‌یی را به ضد آن تبدیل کرده است. آن‌که اگر از مردم بپرسیم: رعیت یعنی چه؟ اغلب مردم می‌گویند: کشاورز! در حالی که رعیت همان سرکارشان یا هر یک از مردم؛ که جمع آن می‌شود رعایا به معنای همه‌ی مردم. کلمه‌ی رعیت در اصل در برابر شاه یا حاکم به کار می‌رفت، انگار بگویم حاکم و مردم یا بگویم مالک و ملت. اما از آن‌جا که حاکم‌های محلی در روستاها با مردم یا رعایا یا همان رعیت‌ها سرکار داشتند و در روستاها رعایا یا همان رعیت‌ها کشاورز بودند، کم‌کم کلمه‌ی رعیت معنای اصلی خود را از دست داد و معنای دیگری را پذیرفت.

نکته‌ی اصلی در نام‌گذاری‌هایی از این دست همانا پذیرش همه‌گانی است نه انتخاب‌های نهادهای به ظاهر فرهنگی. البته گاهی انتخاب از سوی نهادهای فرهنگی هم ممکن است پذیرش همه‌گانی را به دنبال داشته باشد اما این روند، همیشه‌گی و تضمین‌پذیر نیست. از یاد ببریم که پذیرش همه‌گانی دال بر به‌ترین گزینش نیست چرا که ممکن است از ریشه‌های زبانی منحرف شده باشد اما از آن‌جایی که کاربران چنین می‌خواهند نمی‌توان آن‌ها را به زور به کاری مجبور کرد که این را نگوئید و به جای آن فلان کلمه را به کار ببرید. فردینان دو سوسور زبان‌شناس مشهور کارکردهای زبانی را با توجه به زمان در دو شاخه‌ی دیاکرونیک و

سنکرونیک بررسی کرده است که این دو اصطلاح را به «درزمانی» و «همزمانی» ترجمه کرده‌اند. توضیح این دو رویکرد بسیار مفصل است و در این مختصر نمی‌گنجد و علاقه‌مندان می‌توانند در مآخذ مربوط به زبان‌شناسی آن را دنبال کنند اما به طور خلاصه اگر بخواهیم روی این دو اصطلاح تأکید کنیم باید بگوییم که وقتی زبان را با توجه به ریشه‌ها و در حوزه‌های دانش گاهی بررسی می‌کنیم شاخه‌ی درزمانی را در نظر گرفته‌ایم. زبان در طول دوره‌های مختلف تغییراتی می‌کند که ممکن است از ریشه‌ها دور شود اما باز هم بنا به بهره‌گیری کاربران و بر اساس ارجاع به واقعیت بهره‌وری، باز هم صحیح باشد و کاربران منظور یک‌دیگر را به درستی بفهمند. در چنین حالتی باید شاخه‌ی همزمانی را در نظر بگیریم. طبق این نظریه، توسعه و رعایت کردن و شناخت شاخه‌ی همزمانی بسیار مهم‌تر از شاخه‌ی درزمانی است. به همین دلیل است که ما نیز در این پیش‌گفتار روی پذیرش همه‌گانی تأکید می‌کنیم چرا که در بررسی ریشه‌ها و کردی زبان، تغییرات تاریخی و نیازهای جدید اجتماعی مهم‌ترین نکته‌های قابل مطالعه است.

در بررسی پذیرش همه‌گانی گاهی می‌بینیم نامی که مردم روی پدیده‌ی می‌گذارند به نام تجاری نخستین نمونه‌ی برمی‌گردد که آن را شناخته‌اند. برای مثال نخستین نمونه‌ی پودر رخت‌شویی که وارد ایران شد «فاب» نام داشت و مردم نام آن را در دهه‌های پیشین سال‌های متمادی برای ارجاع به پودر رخت‌شویی، می‌گفتند: فاب! البته بعدها این نام را در رخت‌شویی دیگر وارد ایران نشد و پودر دیگری به نام «تاید» جای آن را گرفت و کم‌کم نام فاب از یادها رفت و مردم نسل‌های بعدی به پودر رخت‌شویی گفتند: تاید! پس می‌بینیم در نام‌گذاری‌ها گاهی انتخاب و تصمیم نهادهای فرهنگی اهمیت دارد و گاهی نیز انتخاب‌های عادی مردم. اما در همه‌ی این رویکردها باز هم این پذیرش همه‌گانی است که حرف اول و آخر را می‌زند و همان‌طور که گفتیم گاهی بعضی از انتخاب‌ها از سوی نهادهای فرهنگی بلااستفاده می‌مانند و کاربران یا همان مردم معادل‌های مورد نظر خود را به کار می‌برند.